



تئیه‌های روز

«مجلسه آزادی» آمریکا در فرگوسن سقوط کرد

بازداشت ۴۰۰ معترض

تحریم خرید کالا در آمریکا تب فرگوسن، لندن را نیز ناآرام کرد



صفحه ۱۵

«وطن امروز» از نظرات نمایندگان بهارستان درباره افزایش تعرفه‌ها گزارش می‌دهد

آسیب‌های افزایش تعرفه پزشکی

هر چند طرح تحول سلامت از جمله برنامه‌های ملی است که با جراحی نظام سلامت کشور قصد ایجاد دگرگونی در این حوزه آن هم به نفع بیماران و کاهش دغدغه‌های خانواده‌ها را دارد اما به نظر می‌رسد اجرای گام سوم این برنامه ملی و افزایش تعرفه‌های پزشکی با شیب محسوس خالی...

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از خودروهایی که هر روز از خط تولید حذف می‌شوند

تندر ۹۰ پشت چراغ قرمز تولید

صفحه ۲

گزارش روز

تجارت با شرکت‌های صهیونیستی از مارلیرو تا دنون!

فاطمه صالحی: در تشریحی که افکار عمومی در انتظار انتشار اخباری متفاوت از اسناد منتشر شده درباره صدور مجوز تولید و واردات سیگار مارلیرو برای یک شرکت خاص توسط وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم بود، جوابیه صادر شده توسط این وزارتخانه بر همه ادعاهای مطرح شده، مهر تایید زد. در اواخر آبان ماه سال جاری خبر صدور مجوز واردات ۱۲ میلیارد نخ سیگار برند مارلیرو -متعلق به شرکت صهیونیستی فیلیپ مورس- به شرکت زرین تجارت خاورمیانه منتشر شد که طبق این مجوز، این شرکت خاص می‌توانست سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار کارتن سیگار مارلیرو وارد شرکت زرین تجارت خاورمیانه منتشر شود که طبق این مجوز، این شرکت خاص می‌توانست سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار کارتن سیگار مارلیرو وارد کشور کند. علاوه بر آن، براساس مجوز دیگری شرکت مذکور مجاز به تاسیس کارخانه تولید سیگار مارلیرو به مقدار ۱۲ میلیارد نخ در سال شده بود. نکته عجیب ماجرا فرآیند غیرطبیعی صدور مجوز برای این شرکت بود که در جوابیه صادر شده توسط وزارت صنعت و تجارت قانونی و طبیعی خوانده شده است. اما ماجرا زمانی جالب‌تر شد که برخلاف ادعای وزارت صنعت و تجارت، وزارت اطلاعات علاوه بر اشاره به «صهیونیستی بودن» شرکت صاحب برند سیگار مارلیرو، در پاسخ به استعلام صورت گرفته به‌منظور اعطای مجوز فعالیت ختانی به شرکت مذکور، این امر را خلاف مصلحت ارزیابی کرده بود! این در حالی است که پیش از این در جوابیه وزارت صنعت و تجارت اعلام شده بود، مجوز واردات سیگار مارلیرو با استناد به نظر کمیته تخصصی وزارت امور خارجه صادر شده است. همچنین وزارت صنعت تأکید کرده بود: «طبق اظهار نظر وزارت امور خارجه، مستندات دال بر صهیونیستی بودن شرکت فیلیپ مورس وجود ندارد و به همین دلیل مجوز واردات سیگار مارلیرو به کشور صادر شده است.» در اعتراض به رفتار متناقض وزارت امور خارجه در پرونده اعطای مجوز به شرکت فیلیپ مورس برای واردات سیگار به کشور، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: «یک پرونده قطور در کمیسیون اصل ۹۰ درباره وابستگی شرکت مارلیرو به صهیونیست‌ها تهیه شده است. به اعتقاد نمایندگان این کمیسیون، صهیونیست بودن این شرکت قطعی است و در این رابطه باید اقدامات اساسی برای لغو مجوز فعالیت شرکت مارلیرو در ایران انجام شود.» پورمختار با اشاره به اینکه اسم مدیر شرکت مارلیرو به جای فیلیپ مورس در اصل دیاموند است و اصلیت یهودی آلمانی تبار دارد، افزود: «همان این شرکت یک شیرگران است که این تمثیل صهیونیست‌های یهودی است که این تمثیل بسیاری از مدیران شرکت مارلیرو مانند مدیر امور مالی این شرکت از پیشگامان امضای قرارداد کمپ دیوید و همچنین حمله به طیس بودند.»

ادامه در صفحه ۱۶

رهبر انقلاب با اشاره به سخنان مقامات آمریکایی درباره ضرورت حفظ امنیت اسرائیل در سایه مذاکرات هسته‌ای:

# توافق بشود یا نشود اسرائیل ناامن‌تر خواهد شد

■ به همان دلیلی که با اصل مذاکرات مخالف نبودیم با تمدید مذاکرات هم مخالف نیستیم و قرار عادلانه و عاقلانه را قبول می‌کنیم

■ هیأت ایرانی حقاً و انصافاً در مقابل حرف زور ایستادگی می‌کند و بر خلاف طرف مقابل، حرفش را هر روز عوض نمی‌کند

■ چند کشور معذود، نام خودشان را جامعه جهانی گذاشته‌اند و حدود ۱۵۰ کشور عضو غیرمتعهدها را عملاً حذف می‌کنند

■ ما اصلاً به اعتماد کردن آمریکا هیچ احتیاجی نداریم و نمی‌خواهیم اعتماد او را جلب کنیم چرا که برای ما اهمیتی ندارد



گفتار

جمله تهنیتهای سرکوب ناراضیانی مدنی کرده است. نمونه‌ای از بی‌عدالتی حاکم بر دستگاه قضایی و مجری قانون آمریکا را باید نحوه برخورد نیروی پلیس در اجرای گزینشی قانون در قبال کشته شدن یک افسر پلیس دانست؛ تنها چند هفته پس از کشته شدن نوجوان سیاهپوست در فرگوسن، سازمان‌های خیابان‌های فرگوسن گفت: «ننا به مانند نیروی نظامی‌ای که با دشمن روبرو بود، عمل کردند.»

«جان واتنهد» نویسنده آمریکایی در کتاب خود تحت عنوان «حکومت گرگ‌ها؛ ظهور حکومت پلیسی آمریکا» به این واقعیت اشاره می‌کند که از زمان فروپاشی برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ۲۰/۲ شهرت‌یو، مردم آمریکا به دشمن تبدیل شدند و با آنها به عنوان جنگجویان دشمن برخورد شده که باید تحت جاسوسی قرار گیرند، زیر نظر باشند، از آنها انگشت‌نگاری شده و مورد اسکن قرار گیرند و در واقع دست زدن به هر اقدامی برای ورود به حریم آنها، موعوب ساختن، ضرب و جرح، سانسور و ساکت کردن آنها، زندانی کردن بدون محاکمه و هدف گلوله و شکنجه قرار گرفتن از سوی دولت برای حفظ آنچه امنیت ملی نامیده می‌شود، توجیه‌پذیر است.

عدالت آمریکایی؛ از حکومت پلیسی تا «دشمن حکومت»

حامد شهبازی \*



اما سوال اصلی این است که آیا هیات حاکمه آمریکا دست به اقدامی برای کنترل نیروی پلیس - شما بخواهید نیروهای رزمی ما بویژه در جوامع رنگین پوست زندگی می‌کنند. این عنوان پلیس - برای جلوگیری از دست زدن به خشونت، تیراندازی به سوی افراد غیر مسلح و مسؤولیت‌پذیری و کنترل مجموعه‌های صنعتی نظامی که علاقه بی‌حدوحصری برای تبدیل کردن آمریکا به منطقه‌ای نظامی دارند، خواهد زد یا خیر؟

پاسخ این پرسش با نگاهی به حوادث فرگوسن کاملاً روشن خواهد بود چرا که بیانگر رفتار قابل پیش‌بینی از سوی حکومت آمریکاست؛ از این منظر که هر کس در برخورد با پلیس حکومتی جانب احتیاط را رعایت نکند، باید منتظر پیامدهای رفتار خود باشد و فرقی نمی‌کند این فرد سیاه باشد یا سفید، دموکرات باشد یا جمهوریخواه. در چشم حکومت پلیسی آمریکا هر آنکه دولت را به چالش بکشد، دشمن محسوب می‌شود و این درسی است که حادثه فرگوسن به دنبال داشت.

در پی کشته شدن نوجوان سیاهپوست که اعتراضات خیابانی را به همراه داشت، نیروهای پلیس، لباس ضدگلوله به تن و ماسک‌های ضدگاز بر سر، مجهز به انواع سلاح‌ها، سوار بر خودروهای ضدگلوله در مقابل معترضان بی‌دفاع و غیرمسلح صف کشیدند؛ به گونه‌ای که ستاور دموکرات



حکومت پلیسی آمریکا مردمی را می‌پسندد که کشته شدن یک نوجوان سیاهپوست برای‌شان مهم نباشد بلکه بپذیرند تیره‌ان پلیس سفیدپوست است که برای امنیت مردم ضروری است زیرا هر کسی با حکومت نباشد پس علیه آن است.

\* کارشناس امور بین‌الملل

یادداشت روز

کور خوانده کری!

حسین قدیانی

الحمدلله که سایه این سرو بر سرمان بلند است. متاثر از چیزهایی، زبان دشمن چه دراز شده بود برای ما، حتی به DNA خون‌مان هم کار داشتند! عاقبت، مردی باید جواب دشمن را می‌داد. آقایان اوباما و جان کری حالا دیگر فهمیده‌اند که چه توافق هسته‌ای بشود، چه نشود، از حلقوم انقلاب اسلامی، جز «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» نخواهد شنید. من در جمله قبل، از قصد نوشتم «انقلاب اسلامی». جمهوری اسلامی برای خودمان جمهوری اسلامی است، برای نمایش برترین مردمسالاری دینی، برای انتخاب و انتخابات، لیکن آنجا که پای شیاطین در میان است، جمهوری اسلامی به اصل خود یعنی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و انقلابی، جواب دشمن جمهور، دشمن جمهوری اسلامی را می‌دهد. حمایت‌های آمریکا از اسرائیل را هم که کنار بگذاریم، باز کاخ سفید، دشمن اول جمهوریت است. دشمن اول همه جمهور در همه عالم حتی در خاک خودش! در آمریکا هنوز رنگ پوست، مشخص‌کننده حق آدمی است. اوباما می‌رساند به این منفوری، به این مستکبری، ۱۰۰ سال سیاه‌نخواستیم که به جمهوری اسلامی اعتماد داشته باشد! اصلش ما انقلاب کردیم تا بگویم هیچ اعتمادی به آمریکا نداریم، هیچ وقتی حاج‌قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرالله محبوب دل جهانیانند، کسر شأن جمهوری اسلامی است که بزرگ‌ترین حامی داعش خواهد بود و اعتماد داشته باشد! بزرگ‌ترین حامی ۲۵۰۰ کلاهک اتمی اسرائیل، اتفاقاً مایه فخر و مباهات و غرور ما است که به ملت ایران اعتماد نداشته باشد. از این حرف‌ها که بگذریم، اعتماد الییس به آدمی اگر حلال مشکلات بود، ال خلیفه و ال‌سعود، موضوع بهتری داشتند، شاه سقوط نمی‌کرد و دنیا این همه پر از شعار علیه حکام مورد اعتماد آمریکا نمی‌شد. در کلاس جمهوری اسلامی همین بس که شیطان بزرگ به ما اعتماد نداشته باشد. روح خدا در پی جلب اعتماد خدا بود، نه کدخدا، و روح خدا در جسم و جان «حضرت سیدعلی» جاودان است. برای خامنه‌ای هم اعتماد خدا موضوعیت دارد، نه اعتماد کدخدا. وانگهی! کدام کدخدا! دنیا قریه کوچکی هم که باشد، دیگر مدت‌هاست که آمریکا کدخدای آن نیست، چرا که «توافق هسته‌ای بشود یا نشود، اسرائیل نامن‌تر از قبل خواهد شد». فی‌الحال کدخدا در خانه خودش گیر است! و این آقای اوباما است که لنگ توافقی با ماست بلکه دستی به سر و روی کاخ سفید بکشد، بلکه بگوید: ما با جمهوری اسلامی به توافق رسیدیم! اصالتت توافق با آن منظومه‌ای که حاج‌قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرالله را از آن خود دارد، برای پرستیز مجروح و زخم‌خورده آمریکا، بهتر از توافق با بعضی از این حکام متعلقه با توافقی با تروزیست‌های تکفیری است. خوب است دولت اعتدال، تدبیر دوباره کند در این معانی. آقایان این را ببینند که «افقا» در پی جلب اعتماد کیست؟! خدا یا کدخدایی که دیگر نیست؟! جان کری هم فقط وقتی پشت میز مذاکره می‌نشیند «دیپلمات» است؛ به مجرد اینکه می‌رود می‌ایستد آنجا، پادشاهی می‌رود دیپلمات است، متاثر از چیزهایی احساس می‌کند هنوز «گنده‌لات» است، آن اراجیف را علیه ملت ما بر زبان جاری می‌کند! آقایان، نقد منتقد دلسوز و خیرخواه را که واقعی ننهاند، خوب است جواب دادن به دشمن را از مردی بیاهووند که چون خمینی، دشمن‌شکن سخن می‌گوید اگر پشت میز مجبورید دیپلمات باشید، آنجا که می‌روید می‌ایستید، پادان باشد که «بیچه انقلاب»! پادانیاهاو بدموقعی به پست جمهوری اسلامی خورده! اگر دیروز، حاج‌قاسم سلیمانی ناچار باید دشمن متجاوز را از خاک وطن خارج می‌کرد، امروز «فرمانده سپاه قدس» است! اگر دیروز، حاج‌حسن طهرانی‌مقدم آرزو داشت برد موشک‌های وطنی‌اش به «جزیره مجنون» برسد، امروز برد موشک‌های او به مقر شیطان بزرگ هم رسیده! اگر دیروز، کسی سیدحسن نصرالله را نمی‌شناخت، امروز از حماس اهل سنت گرفته تا شیعیان یمن و عربستان، به نیکی او را می‌شناسند! گمان این روزها نتانیاهاو زیاد نقشه دنیا را نگاه می‌کنند! این دیو عصبی مزاج، شاید به این فکر می‌کند که کاش حرامزاده‌های قبلی، اسرائیل را در دورترین نقطه کره زمین نسبت به ایران جعل می‌کردند! مداد و خودکار دست نتانیاهاو بدهی، تل‌اوویو و حیفا، همه اسرائیلی را می‌برد آن دوردورها نقاشی کند! اما مسأله اینجاست که اسرائیل فقط در «جهنم» از برد موشک‌های جمهوری اسلامی در امان است! توافقی هسته‌ای می‌خواهد بشود، می‌خواهد نشود، اسرائیل از صفحه روزگار محو خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۶

www.vatanemrooz.ir

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲